



شماره ۵۳، سال پنجم - فروردین ۱۳۸۸ برابر با آوریل ۲۰۰۹

نشریه برونمرزی

## جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

پیام جبهه ملی ایران

هوشنگ کردستانی

### ایران در چنبره انگیزاسیون فکری، عقیدتی و مذهبی

### سال نو را با امید بیشتر به پیروزی آغاز کنیم

جامعه ای از پویایی فرهنگی بهره مند است که مبتنی بر تنوع ارزشهای معنوی مختلف بوده و در آن مکتب های فکری و عقیدتی در کنار هم زیستی مسالمت آمیز داشته و از فرآیند تعاملات بین آنها همگان منتفع شوند. در مقابل جوامعی که متصف به فرهنگ تک بُعدی و خودکفا هستند نه تنها تمایل به تساهل و سازگاری با ارزشهای معنوی، فکری و عقیدتی متفاوت ندارند بلکه در نوعی تعارض و ناسازگاری با آنها درگیر می باشند.

به همین جهت وقتی جامعه مبتنی بر فرهنگ چند بُعدی و کثرت گرا تحت سلطه و حاکمیت فرهنگ تک بُعدی قرار می گیرد تنها راه بقای نسبی ارزشهای معنوی متفاوت خود را در لوای کسوت و پوشش فرهنگ حاکم محفوظ می دارد. چنانکه وقتی که اسلام بقیه در ص ۲

نوروز یکی از کهن ترین جشن های به جامانده از دوران باستان و خاستگاه آن گستره ایران بزرگ است.

زمان برگزاری نوروز آغاز فصل بهار بوده و در ایران و افغانستان آغاز سال نو می باشد. در سایر کشورهای گستره فرهنگ ایرانی، نوروز به عنوان آغاز فصل بهار جشن گرفته می شود.

زمان پیدایش نوروز را در متن های کهن و شاهنامه فردوسی به جمشید پادشاه سلسله پیشدادیان نسبت می دهند. بنا بر داستان های شاهنامه، جمشید جشن باستانی نوروز را بنیاد نهاد و آنرا آغاز سال قرار داد. ابوریحان بیرونی دانشمند بزرگ ایرانی پرواز کردن جمشید را آغاز جشن نوروز می داند.

کوروش کبیر در سال ۵۳۸ پیش از میلاد، نوروز را جشن ملی اعلام کرد و در دوران پادشاهی داریوش بزرگ، آئین های نوروزی همه ساله در تخت جمشید برگزار می شد. اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز را گرامی می داشتند و آئین های آنرا با شکوه برگزار می کردند. اردشیر بابکان در سال ۲۳۰ میلادی پس از آنکه امپراتور روم آلكساندر سوم را شکست داد، از او خواست که نوروز در سرزمین روم به رسمیت شناخته شود که مورد پذیرش امپراتور قرار گرفت. آئین ها و سنت های نوروزی با گذشت زمان و دگرگونی های زندگی، بدون آنکه هویت خود را از دست داده باشد به ناگزیر تحول یافته است. بقیه در ص ۲

#### در این شماره می خوانید:

- سال نو را با امید بیشتر به پیروزی آغاز کنیم  
هوشنگ کردستانی
- ایران در چنبره انگیزاسیون فکری، عقیدتی و مذهبی  
پیام جبهه ملی ایران، درونمرز نیو نابت
- نام نیک رفتگان ضایع مکن  
سخنی در مورد انتخابات
- پیام جبهه ملی ایران، درونمرز
- آئین های شب چهارشنبه سوری و ۱۳ بهمن  
خبرهای ورزشی و داخلی
- سالروز از دست دادن منوچهر فرهنگی  
سروده ای از سلطان محمد عضدی
- خون سیاوش  
سروده ای از محمد رضا شفیعی کدکنی

ایران متعلق به همه ایرانیان است

سال نو را با امید بیشتر به پیروزی ...

بقیه از ص ۱

نوروز و آئین های در ارتباط با آن مانند شب چهارشنبه سوری و مراسم سیزده بدر همراه با سایر آئین ها و سنت ها بازمانده از روزگاران کهن، همواره هم چون سنگرها و پناهگاه هایی بوده اند که ملت ما پس از هر شکست نظامی و سیاسی تاریخی، در رویارویی با بیگانگان برای جبران شکست و تبدیل آن به پیروزی از آنها استفاده می کردند. پس از استقرار جمهوری اسلامی که برنامه و دستور کارش از میان برداشتن همه آثار آزادی و حاکمیت مردم بوده، برنامه ریزان و معماران آن که به خوبی از تأثیر شگفتی که سنت ها و آئین های ملی در رویارویی با فاجعه ها و رویدادهای شوم تاریخی و تبدیل شکست ها به پیروزی ها داشته اند، کوشیده اند که آئین های نوروزی را از میان بردارند و عیدهای مذهبی را جانشین آن سازند. همچنین روز سیزدهم فروردین را به دوازدهم که روز همه پرسی برای تعیین نظام اسلامی است، تبدیل نمایند. خمینی و آخوندهای هم فکر با او، نه تنها موفق به اجرا برنامه شوم خود در زدودن این آئین ها نشدند، بلکه همان گونه که پیشینه تاریخی نشان داده است این بار نیز آئین ها و سنت ها، سنگرهای دفاعی ملت ما در برابر فاجعه ملی استقرار استبداد مذهبی شدند تا جایی که خودکامگان مذهبی نیز ناگزیر در پذیرش و برگزاری آن شدند و برخلاف سالهای اولیه استقرار نظام، نه تنها با برگزاری و بزرگداشت آئین های نوروزی همراه با مردم شدند بلکه می کوشند نشان دهند مدافع اجرای این سنت ها و آئین ها بوده اند.

مردم اما، بدون توجه به تغییر موضع سردمداران اسلامی، می کوشند تا با برگزاری هر چه باشکوه تر آئین های ملی سکوت و خشم سنگین خود را به سردمداران نظام استبداد مذهبی نشان دهند.

نوروز یکی از ستون های پا برجای ویژگی های با عظمت روح ایرانی است که فرار رسیدنش را به هم میهنان عزیز شادباش می گوئیم.

ایران در جنبه انگیزسیون فکری، ...

بقیه از ص ۱

خلافتی اموی و عباسی مجهز به سیاست نژادپرستانه بر جامعه ایران حاکم شده بود و دو قرن سکوت فرهنگی را بر آن تحمیل نموده بود، نوآندیشان ایرانی در پرتو رنسانس فرهنگی و ادبی برخاسته از قرن نهم تا دوازده میلادی، که در عین حال از آن بعنوان عمر شکوفایی تمدن اسلامی نیز یاد شده است، بر آن شدند با الهام از ارزشهای برگرفته از جوهره پویا و فرهیخته ساز فرهنگ بومی خود و انصاف آن به رنگ و رخساره ارزش معنوی مسلط وقت فضای مبتنی بر تعبد و جمودیت را تعدیل نموده و آن را به راه تلطیف و پویایی هدایت نمایند. در این رهگذر بی شک عرفان مبتنی بر جهان بینی و انسان گرایی بیش از سایر عناصر مندرج در رنسانس فرهنگی مورد بحث نقش تلطیف کننده داشته است و در عین حال در اشاعه تنوع ارزشهای معنوی نیز کارساز بوده است. بخصوص از زمان غزالی به بعد که اصول گرایی حاکم بر امور اجتماعی و فرهنگی ایران شده بود، عرفان و مشرب های برخاسته از آن همچنان بر آن بودند تا در جامعه مبتنی بر فروبستگی فکری و خالی از آزاداندیشی جرقه هایی از تنوع ارزشهای معنوی را در ادبیات عرفانی و در عین حال نقادانه از اصول گرایی پایدار نگه دارند. در این رابطه مولوی و حافظ جایگاه ویژه ای داشته اند.

خلاصه آنکه جهان بینی و انسان گرایی عرفان مبتنی بر عشق، مودت و دوستی نه تنها نقش تلطیف کننده و تعدیل کننده در قبال اصول گرایی در گذر تاریخ اجتماعی ایران داشت، بلکه امروزه نیز بعنوان رهگشایی برای رهایی از سردرگمی ها و نابسامانی های روانی و معنوی انسان عصر حاضر مطرح شده است. یعنی در حالیکه اینک در پرتو پیشرفتهای چشم گیر علمی و تکنولوژیکی انسان موفق گردیده به ساخت و پرداخت ها و مخلوقات خود خصوصیت انسانی بخشد، ولی خود از معنای انسانیت تا حدودی تهی گردیده و از خود بیگانه شده است. لذا برای رهایی از این معضل روانی، بخش قابل توجهی از نسل جوان راه انتخاب آزادانه و داوطلبانه ارزشهای معنوی و عرفانی را در پیش گرفته اند. گروههای بسیاری به مشرب های عرفانی از جمله مولوی پیوسته و یا می پیوندند. در حالیکه امروزه محافل دانشگاهی و آکادمیک اروپا و آمریکا مسئله شناخت و معرفی ارزشهای انسان گرایانه عرفان شرقی را با دید مثبت مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهند، در ایران ما سرزمینی

مقابل قانون برابر باشند، به همین نهج می بایست از تمامی فرصت ها و امکانات بدون هرگون تبعیض از لحاظ نژادی، زبانی، قومی و مذهبی بطور یکسان بهره مند شوند.

بنابراین، محروم ساختن شهروندان مذکور در فوق را از حقوق و آزادی های اساسی به دلایل زیر شدیداً محکوم می نماید:

۱- برخورد های خشونت بار را نسبت به آزادی طلبان نحله های مختلف غیرقانونی، غیرانسانی و غیراخلاقی می داند.

۲- ادامه آن را موجب خشکاندن میانی تنوع ارزشهای معنوی و تهی ساختن فرهنگ ایران از پویایی و سیالیت می شود. در واقع این رویه را به چیزی جز تحمیل جوّ واپس گرایی و ارزشهای غیرایرانی نمی توان تلقی نمود.

۳- اقدامات انجام شده نقض فاحش اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و زیر پا گذاشتن تعهدات بین المللی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

۴- استمرار وضع موجود موجب افزایش فرار مغزها و افزایش روزافزون طالبان جلای وطن خواهد شد.

۵- افزایش جوّ پلیسی و اختناق اجتماعی و انگیزاسیون فکری و عقیدتی شاید برای مدتی کوتاه به عنوان سرپوشی برای عدم توجه عمومی به مشکلات اقتصادی، افزایش فقر، بیکاری و تبعات و آسیب های اجتماعی آن و فراتر از همه فساد مالی حاکم بر دستگاههای حکومتی و نابسامانی ها و نارسایی ها در امور خارجی گردد، ولی دیر یا زود حکام تمامیت خواه باید پاسخگوی ناکامی ها و نافرجامی های موجود در عرصه های مختلف جامعه ایرانی باشند.

\*\*\*

بقیه از ص ۲  
**ایران در چنبره انگیزاسیون فکری، ...**  
 که اولین منشور حقوق بشر مبتنی بر تساهل و سازگاری نژادی و قومی و آزادی مذهبی اعلام و اعمال گردید، امروزه حقوق بشر و آزادیهای اساسی دچار نقض فاحش می شود. در زمانیکه اندیشه های عرفانی مبتنی بر جهان بینی و انسان گرایی در خارج از کشور مقبولیت روزافزون پیدا می نماید، مشرب های عرفانی با ممنوعیت ها و محدودیت های پی در پی روبرو می شوند و وابستگان آن دچار تضییقات و ایذاء و آزار قرار می گردند. خانقاه های آنها به ویرانی کشانده می شوند و رهبران آنها به زندان افکنده می شوند. اسفبارتر آنکه برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر، ایرانیان متصف به عقاید و آیین های گوناگون بر اساس اتهامات واهی از ابتدایی ترین حقوق شهروندی و انسانی محروم می شوند. معابد و منازل و گورستان های آنها ویران می گردد و معتقدان آن به دلایل ساختگی زندانی می شوند و از سرزمین و موطن آبا و اجداد خویش رانده می شوند. از سوی دیگر، دانشجویان و دانشگاهیان از تفکر آزاد، اندیشه نقادانه و عقل گرایی بازداشته می شوند. دانشجویان معترض به فضای سرکوبگرانه موجود زندانی می شوند. چگونه است وقتی بسیاری از دانشجویان همراه با دیگر جوانان با صداقت و شهامت در راه دفاع از آزادی و حفظ استقلال و بقای سرزمین ایرانی خود نقد جان باخته اند.

به جای آنکه شهات آنها بعنوان میراث ارزنده مایه و سرمایه ارتقای نواندیشی، آزاداندیشی و افزایش دانش علمی و فرهنگی دانشگاه ها شود، حکام بر قدرت نشسته بر آن می شوند از آن برای تحمیل ارزشهای واپس گرایانه بر دانشگاه ها بهره جویند. گو اینکه نسل حاضر و آینده ایران خود را مدیون فداکاری های این شهیدان والاقدر دانسته و شهادت آنها را پویا بخش راه آزادی تلقی می نمایند، ولی استفاده ابزاری از آن را برای تحکیم نظام استبدادی قویاً محکوم می نماید.

جبهه ملی ایران همواره بر این باور بوده است که تمامی شهروندان ایرانی همانگونه که می بایست در

از: نیو نابت

## نام نیک رفتگان ضایع مکن

### نا بماند نام نیک پایدار

سعدی شیرازی

پیشگفتار:

از آنجا که برخی از جریان های اپوزیسیون خارج از حاکمیت اسلامی برای تطهیر گذشته خود و به تصور واهی به دست آوردن مجدد قدرت از دست رفته، می کوشند با به خدمت گرفتن برخی از هموطنان اهل قلم با وارونه جلوه دادن واقعیت های تاریخی نه تنها خط بطلان بر کارنامه درخشان دوران نخست وزیری مصدق بکشند بلکه او را آماج حملات غیرمنطقی و بدور از آئین جوانمردی قرار دهند، اقدام به درج نوشتار آقای «نیو نابت» که در شماره ۲۶ مجله «سهند» چاپ پاریس آورده شده است می نمایم که گویا است و بی نیاز از تفسیر.

به هموطنانی که متأسفانه قلم خود را در راه وارانانه جلوه دادن واقعیت های تاریخی بکار گرفته و می کوشند عظمت مصدق را زیر پرسش برند یادآور می شویم «بزرگش نخوانند اهل خرد/ که نام بزرگان به زشتی برد» که آنهم بزرگی که عمری در راه خدمت به مردم و پرآوازه کردن نام ایران تلاش کرد.

پنجاه و پنج سال از کودتای ۲۸ مرداد می گذرد.

برانداختن قهرآمیز دولت مصدق با ضرب شستی نظامی همراه با آشوب خیابانی اوباش و تحریکات همه جانبه ملاحای ماجراجو و البته خرابکاری توده ای ها که برنامه ریزی و هدایت بیگانه زخم خورده را پشت سر داشت ضربه ای کاری به نظام مشروطه وارد ساخت و کشور را بار دیگر به سوی دیکتاتوری سوق داد.

شرایط سیاسی و تاریخی ویژه ای بود. کشور به تازگی از بن بست ماجراهای جنگ دوم جهانی و قضایای تجزیه کشور جان بدر برده بود. مهم ترین منبع درآمد مملکت از محل صدور و فروش نفت خام کماکان در انحصار کامل انگلیسی ها قرار داشت که به همین اعتبار نقش عمده ای در شتون کشور ایفا می کردند. شوروی ها هم مصیبت دیگری بودند گو اینکه هیچگاه موفق به تجزیه و فروپاشی کشور نشدند و نتوانستند حزب توده را بر سرنوشت ایران مسلط گردانند. مذهبیهون افراطی پشت نقاب فدائیان اسلام در آدم کشی و آشوب پراکنی با توده ایها در مسابقه بودند. سیاست عدم اعطای امتیاز به دو قدرت بیگانه مداخله گر در شمال و جنوب که به سیاست موازنه منفی شهرت یافت موضوع

اصلی گرایش ملی به رهبری مصدق بود. خیل مخالفان داخلی و خارجی مصدق برای مایوس کردن و از نیرو انداختن او آنچه در توان داشتند صورت می دادند و به هر نهادی که امید می بست در آن خرابکاری می کردند. مرحله منطق و گفتگوهای پارلمانی و رویارویی های معمول نظام های دموکراسی پشت سر گذاشته شد و بالاخره در اوج بحران با دلار و توپ و تانک و صحنه سازی او را از دور خارج کردند. مصدق اسیر و زندانی و تبعید شد. شاه مشروطه به شخص اول سلطنت استبدادی تبدیل گشت. چند ارتشی را به سمت های نخست وزیر و به سمت های مهم سرکوب و استنطاق گماشتند. امیر ارتش که نخست وزیر شد در فرمان نخست وزیری نه با عنوان ارتشی بلکه به صفت شخصی (جناب فضل الله زاهدی) مخاطب قرار گرفت. یعنی حکومت نظامی ها نیست. همین مطلبی که هنوز امروزه مورد ادعای مبلغان ضد مصدقی است که آن کودتا را قیام ملی و مردمی و خودجوش توصیف می کنند. قراردادی ۲۵ ساله با مدعیان نفتی خارجی بسته شد که مدت آن حدوداً همان زمان بازمانده آن دوره دیکتاتوری بود. آستانه سال ۱۳۵۷ کنسرسیوم نفت بارش را بسته بود. مصدق هنوز با این که سالهاست دستش از دنیا کوتاه گشته ضرب و شتم و دروغ بردازی آن متجاوزان به حقوق مردم و درهم شکنندگان نظام مشروطه را تحمل می کند و همان دشمنان سال ۳۲ چه آنها که قافیه را بکلی باخته و در حاشیه اند و چه آنها که حکومت اسلامی را راه انداخته اند و از جعل و دروغ بازنایستاده اند.

### خاندان کودتا

آخرین هیاهوی ضد نهضت ملی و مصدق، از سوی کانون بازماندگان آن کودتا است. از آن عده، اردشیر زاهدی فرزند خلف تیمسار فضل الله زاهدی، به لحاظ ایفای نقش در امریبری ماجراهای کودتا، به مهره ای ماندگار در رژیم پیشین تبدیل شد. هر چند شخص پادشاه و دیگران دل خوشی از ایشان نداشتند (قرینه اش را اسدالله علم در جلد ششم خاطرات خویش به جای گذاشته که می گوید اعلیحضرت از این پسر ناخشنود بوده است) در نهایت در دورانی که افراد سیاسی شناخته شده و با سابقه و فعال زیر نظر و یا برکنار و در تبعید و زندان بودند آقای اردشیر زاهدی در کانون سیاستگزاری و محل طرح و تحقق پروژه های سیاسی دولتی تخت و پوستی انداخته و در داخل و خارج از کشور مصدر اموری بوده اند.

از همان خاندان به دیگرانی برمی خوریم که ظریف تر به ایفای نقش مشغول بوده اند. داریوش همایون سیاست را می شناسد. تجربه فعالیت در حزب سومکا (فاشیستی و جمهوریخواه) در همان دهه ۳۰ تا ایفای نقش عمده در بقیه در ص ۵

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

## نام نیک رفتگان ...

بقیه از ص ۴

تدارک حزب رستاخیز و کار در سیمت وزارت اطلاعات و همچنین فعالیت مطبوعاتی در روزنامه آیندگان مانع از ارائه فکر واقعاً ثابت در اوست و شاید به عبارت بهتر بتوان گفت نوعی طرز تلقی است که بر حسب زمان توجیهات گوناگونی می یابد. از جمله پرنویس ترین کسانی است که در میان ایرانی های خارج از کشور دیده ایم. اشکالات مدیریتی و سلیقه ای به رژیم گذشته که خود در جانی معین از آن مستقر بوده دارد. ولی در نهایت نمره خوبی به آن می دهد. به مصدق بارها تاخته و در این تاختن ها از نوگرایی ابا ندارد و مطالب مطرح شده این زمان چون روانشناسی توده ها، رهبری فرهنگ، روان پریشی رهبر و نظایر اینها را نیز بدان چاشنی می کند. البته برای جلب شنونده با انصاف، گهگاه محسناتی از کارنامه مصدق را نیز دریغ نداشته است. این احسان قلمی حساب شده و قیروطی شامل حال اشخاص و گروه های متنوع دیگر نیز می شود که هرگونه جدول ارزشی منطقی را به هم می زند. لزوم شرکت در انتخابات خاتمی در آن دوره برای پست رئیس جمهوری حکومت اسلامی و یا سینه سپر کردن در برابر هارت و هورت امپریالیسم جهانخواار آمریکائی و تحسین مجاهدات کمیته های پر سروصدای جدیدالاحداث صلح (آدمی به یاد آن کمیته های صلح دوره استالین و حزب توده دهه ۲۰ تا ۳۰ می افتد) و یا بزرگنمایی آن مضحکه رفراندوم. تجسم کنید همه این سیر و سلوک ها در زمینه ای از شیدائی به تجدد و مدرنیته (ایشان از مجتهدان تشخیص میان مدرنیته و مدرنیسم و ... هستند) و آزادیخواهی و میل به پیشرفت است. در زمینه مشروطه خواهی هم کم نمی آورند (که خود مؤسس و تئوریسین حزبی بدین عنوان هستند که در واقع جز برخی کلیات در مدح آزادی و ... هیچ رابطه واقعی با آن نهضت مشروطه و دستاوردهایش ندارد). در مورد مصدق که موضوع بحث است ایشان از پیشگامان پرده دری و کنار زدن ماسک آن شیدای تاریخ اند. عبارت هایی نظیر «کربلای ۲۸ مرداد» برای توصیف شرایط و احوال و علل مظلوم نهای و شهیدبازی و البته توده فریبی مصدق از ابداعات ایشان است.

اما بدویبراه گویی به مصدق در انحصار این خاندان نیست. خصیصه عمده این خاندان در این ماجرا درگیری مستقیم و بلافاصله و حتی فیزیکی، یعنی ترتیب گرفتاری مصدق است که انگار باید آنان را برای همیشه به راه نفی مصدق براند.

\*\*\*

## آئین های شب چهارشنبه سوری و

## سیزدهم فروردین

پس از استقرار جمهوری اسلامی و پایگیری نظام استبداد مذهبی، خمینی و آخوندهای قشری کوشیدند آئین ها و جشن های ملی ایرانی را از میان بردارند و روزهای تاریخی اسلامی را جایگزین آن سازند.

در این میان بچه آخوندهایی نظیر سید میرحسین موسوی و پرفسور، دکتر، مهندس! سید محمود احمدی نژاد هم که آغاز تاریخ ایران را پس از شکست امپراتوری ساسانی از تازیان بیابان گرد شیر شتر و سوسمارخوار می دانستند با آنها همراه شدند.

با این وجود مردم به ویژه جوانان غیور و میهن دوست در سی سال گذشته با برپایی و بزرگداشت هر چه باشکوه تر جشن های ملی به ویژه مراسم شب چهارشنبه سوری، آئین های نوروزی و سرانجام مراسم سیزده بدر، همان درسی را به آخوندها و بچه آخوندهای عرب زده دادند که چهارده سده پیش ایرانیان به عرب های تازه به دوران رسیده و بیابانی داده بودند.

پس از شکست امپراتوری ساسانی و چیرگی اعراب بر ایران، زمان درازی نگذشت که خلیفه گان عرب به ویژه عباسیان ناگزیر شدند جشن ها و مراسم ملی ایرانیان را پاس بدارند و با آن همراه شوند.

در سالهای اخیر شب چهارشنبه سوری تبدیل به رویارویی واقعی و تن به تن جوانان با عوامل امنیتی و سرسپردگان به ولایت فقیه شده است. گرچه در این رویارویی همه سال از جمله امسال شمار زیادی از جوانان در تهران، مراکز استانها و شهرهای بزرگ توسط نیروهای امنیتی بازداشت می کردند ولی شب چهارشنبه سوری تنها زمانی است که عوامل نظام از مردم می ترسند و می کوشند در تیررس آتش خشم و انتقام آنها قرار نگیرند.

امسال نیز چون سال های پیش برخی از آخوندها که به غلط تصور می کنند مردم به گفته های آنها توجه می کنند به استناد به نوشته های آخوند مطهری، از مردم خواستند که مراسم شب چهارشنبه سوری را برگزار نکنند. نیروهای انتظامی نیز از آغاز اسفندماه به برگزارکنندگان اخطار دادند که با آنها برخورد شدید خواهد شد. فرستنده های تلویزیونی جمهوری اسلامی نیز در این شب اقدام به پخش فیلم هایی کردند که تصور می شد برخی از مردم برای مشاهده آنها، در منزل هایشان خواهند ماند. هیچ یک از این ترندها اما، کارساز واقع نشد و مردم مراسم چهارشنبه سوری را با شکوه تر از سال های پیش برگزار کردند.

در برخورد با نیروهای انتظامی، بیش از صد تن از جوانان تنها در تهران بازداشت شدند. برگزاری مراسم سیزده بدر و رفتن مردم به اطراف شهرها نیز در ۳۰ سال گذشته، اهمیتی بیشتر یافته و به نمودی از مخالفت مردم با سردمداران نظام اسلامی تبدیل شده است.

نوروز امسال عظمت دیگری داشت. در آغاز سال نو شمار زیادی از باورمندان به ایران که در پی باز یافتن هویت ایرانی خود هستند، در آرامگاه کوروش کبیر گردآمدند و با گستردن سفره هفت سین آئین تحویل سال را برگزار کردند، گردهمایی باشکوه و تاریخی که خواب بیگانه پرستان را آشفته تر و ایراندوستان را به آینده امیدوار تر کرد.

در روز سیزدهم فروردین هیچ مقامی از جمهوری اسلامی چه روحانی و چه غیرروحانی جرأت ندارد که بدون آنکه در رقص و پایکوبی مردم شرکت کند، در مراسم حضور یابد. ✱

## بزرگداشت سالروز ملی شدن صنعت نفت در سوئد

به مناسبت ۲۹ اسفند ماه، روز ملی شدن صنعت نفت توسط رهبر بزرگ ملت ایران دکتر محمد مصدق مراسمی در محل دفتر جبهه ملی در استکهلم برگزار گردید.

در این مراسم جمع بسیاری از وابستگان، هواداران و دوستداران جبهه ملی حضور داشتند.

در مراسم بزرگداشت، نخست پیام مهندس هوشنگ کردستانی عضو هیأت رهبری جبهه ملی خراج از کشور، که توسط خانم مریم شائسی دریافت شده بود پخش گردید، سپس پیام دکتر ادیب برومند مسئول هیأت رهبری جبهه ملی داخل کشور توسط سعداله عمرانی خوانده شد.

در ادامه مراسم آقایان علی صادقی و عباس شمسا سروده هایی در رابطه با ملی شدن صنعت نفت برای شرکت کنندگان قرائت نمودند.

مراسم با پخش سرود «ای ایران» با استقبال شرکت کنندگان پایان یافت.

مسئول تشکیلات جبهه ملی در استکهلم سوئد  
عباس آهوچشم

ساخته و پرداخته حکومت، فریاد اعتراضشان نسبت به عملکرد این دولت بلند شده است ولی با این حال هنوز مقامات بالای این نظام به فکر حمایت و ابفای چنین دولتی با چنین دستاوردهایی هستند.

از طرف دیگر، جناح معروف به اصلاح طلبان درون حاکمیت با کارنامه پر از فرصت سوزی های گذشته نه از انسجام و وحدت نظر لازم برخوردار است و نه جسارت ضروری جهت انتقاد از وضع نابسامان موجود را دارد و نه شجاعت تاختن پرشور به میدان انتخابات که به هر حال امکان آن برای آنان فراهم است در آنها دیده می شود. ضمناً به این نکته مهم نیز توجه ندارند که مجموعه حاکمیت که از همه لحاظ به بن بست رسیده ناگزیر است تا بار دیگر به آمدن آنان به صحنه تن در دهد. یکی از چهره های اصلاح طلب که شانس بیشتر و فرصتی فزون تر برای ورود به عرصه انتخابات را دارد در انتظار چراغ سبز مقامات کلیدی نظام است و متوجه نیست که او نیاز به موافقت کسی ندارد و این کل حاکمیت است که نیازمند اوست زیرا که در شرایط داخلی و بین المللی موجود جایگزین دیگری در اختیارش نیست. آیا این اصلاح طلبان حکومتی واقعاً قادرند که از فرصت تاریخی که در اختیار آنان است در جهت نجات و ثبات کشور بهره بگیرند؟ و آیا اراده آن را دارند که آغازگر تغییرات بنیادی در جهت برقراری فضایی قابل تحمل و قابل قبول برای ملت ایران باشند؟

جبهه ملی ایران فضای سیاسی کشور را به دقت زیر نظر دارد و در زمان لازم نظر خود را در مورد انتخابات پیش رو، رسماً به اطلاع ملت شرافتمند ایران خواهد رسانید. \*

## سخنی در مورد انتخابات

کلمه انتخابات در ساختار جمهوری اسلامی معنی و مفهوم واقعی خود را از دست داده و به واژه ای بی محتوی و عنوانی بدون مصداق تبدیل شده است. در اوضاع و احوال موجود ایران صرفنظر از اینکه پیش شرط های لازم برای انجام یک انتخابات واقعی مانند آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و آزادی احزاب محقق نیست آزادی کاندیدا شدن برای هر یک از افراد ملت ایران نیز قابل تصور نمی باشد و این فقط شورای نگهبان انتصاب شده از طرف حاکمیت است که باید اجازه دهد تا فردی بتواند بعنوان کاندیدا یا بر صحنه انتخابات بگذارد. و بدیهی است که این شورای انتصابی هم با استفاده از حربه نظارت استصوابی به احدی جز وابستگان و سرسپردگان به حاکمیت امکان حضور در انتخابات را نمی دهد نتیجه آنکه مردم در روز به اصطلاح انتخابات با لیستی از وابستگان به حاکمیت جمهوری اسلامی روبرو هستند که ناگزیرند فقط از میان آنان به یک نفر رأی بدهند.

از شخصیت های ملی و آزادیخواه، از متخصصین میهن دوست و از دگراندیشان کسی در صحنه نیست و برای ملت ایران تنها دو راه باقی می ماند؛ یا باید در پای صندوق چنین انتخاباتی حضور نیابند و با بی اعتنائی به آن عدم قبول چنین انتخاباتی را به جهانبان نشان دهد و یا اگر بنا بر ملاحظاتی که بر همگان روشن است احساس کرد که نیاز به ممهور شدن شناسنامه خود به مهر انتخابات دارد، فقط باید به یکی از عوامل حاکمیت رأی بدهد. البته تعداد زیاد آرای سفید و باطله نیز اجبار به رأی دادن و نیاز به مهر خوردن شناسنامه ها را نشان می دهد. بهر حال، راه سومی برایش متصور نیست. در انتخابات گذشته به دلایلی که ذکر آن رفت، انتخابات غیردموکراتیک و ناعادلانه و در محدوده خودی های حاکمیت بود ولی در انتخابات نهم ریاست جمهوری علاوه بر عدم رعایت موازین دموکراسی عدم سلامت انتخابات را نیز پیش از پیش شاهد بودیم تا آنجا که شخصیت های کلیدی درون حاکمیت هم از ناسالمی آن فریادشان بلند شد و گفتند که ناچارند از این نابکاری ها شکایت به درگاه خدا ببرند و بس.

اکنون دولت نهم به پایان دوره خود نزدیک می شود و انتخابات جدیدی ظاهراً با همان شیوه ها و ترفندهای شناخته شده قبلی در پیش روست. دولت نهم با شعارهای نامعقول و نسنجیده و تنش آفرین از لحاظ سیاست خارجی و بین المللی چهار سال کشور را معطل نموده و چه بسا مخاطراتی را نیز برای کیان ملی ما فراهم نموده است و با اتخاذ سیاست های اقتصادی نادرست برخلاف شعار آوردن پول نفت بر سر سفره مردم قسمت های بسیار بیشتری از جامعه را به زیر خط فقر کشانده و تورم و گرانی و فقر و بیعدالتی روزافزونی را به این ملت تحمیل نموده است. تا جایی که، بخش هایی از درون حاکمیت و حتی مجلس

## خبرهای داخلی

### اجتماع بازنشستگان در برابر مجلس اسلامی

در اعتراض به تغییر اساسنامه تأمین اجتماعی، شمار بسیاری از بازنشستگان در برابر مجلس اسلامی تجمع کرده و خواهان یکسان شدن حقوق کارگران با بازنشستگان کشوری و لشگری شدند.

### ۵ تن به جرم شرکت در تظاهرات محکوم شدند

شعبه دادگاه انقلاب تهران ۵ تن را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و شرکت در تظاهرات غیرقانونی و تبانی جهت براندازی رژیم به ۲ سال زندان محکوم کرد.

### نظام ولایت فقیه تنها مورد پذیرش کمتر از ۲ درصد

#### مردم ایران می باشد

در یک نظرسنجی که توسط وابستگان به جمهوری اسلامی انجام گرفت تنها ۱/۸ درصد مردم نسبت به نظام اسلامی نمره قابل قبول دادند.

### اعتراض دانشجویان به گورستان کردن دانشگاه

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر و پلی تکنیک به طرح دفن کردن شهید در دانشگاه و سوءاستفاده از نام شهید در جهت ابعاد اختناق در دانشگاه و بازداشت دانشجویان زندانی تظاهرات آرامی برگزار کرده و خواستار پایان دادن به گورستان کردن دانشگاه و آزادی دانشجویان زندانی شدند.

### عضو سندیکای شرکت واحد بازداشت شد

علی اکبر پیرهادی از مسئولان سندیکای شرکت واحد تهران در راه بازگشت به منزل خود توسط عوامل امنیتی بازداشت گردید و به نقطه نامعلومی برده شد.

## خبرهای ورزشی

### پیروزی تیم کشتی آزاد در جام تختی

پیروزی مسابقه های کشتی آزاد جام جهان پهلوان تختی که ماه گذشته برگزار شد، تیم کشتی ایران با کسب پنج نشان طلا و کسب ۶۸ امتیاز به پیروزی رسید.

در این دوره از مسابقه ها روسیه با ۳۰ امتیاز و دو نشان طلا دوم، آمریکا با کسب ۱۹ امتیاز سوم شدند.

نشان های طلای تیم ایران را حسن رحیمی در ۵۵ کیلوگرم، سعید داداش پور در ۶۶ کیلوگرم، محمد حسین زاده در ۸۴ کیلوگرم، رسول توکلی در ۹۶ کیلوگرم، فردین معصومی در ۱۲۰ کیلوگرم بدست آوردند.

مصطفی آقاجانی در ۶۰ و ایمان محمدیان در ۷۴ کیلوگرم به کسب نشان نقره نایل آمدند.

### مدیر اتحادیه کارگران نیشکر هفته تپه بازداشت شد

مدیرعامل سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه که برای احقاق حقوق صنفی و انسانی همراه با کارگران زحمت کش و غیور نیشکرهفت تپه تلاش می کند، توسط عوامل امنیتی نظام بازداشت و به نقطه نامعلومی برده شد. از وضعیت و محل نگهداری نامبرده تاکنون اطلاعی به دست نیامده.

### عدم پرداخت سه ماهه حقوق کارگران

کارگران معدن زغال سنگ در سمنان که شمار آنها به ۶۰ تن می رسد، به دلیل عدم دریافت حقوق سه ماهه خود دچار مشکلات اقتصادی شدید شده اند.

### اخراج پرستاران به دلیل بدحجابی

حدود ۳۵ تن از پرستاران زن بیمارستان هزارتختخوابی تهران به دلیل عدم رعایت حجاب و عدم اعتقاد به جمهوری اسلامی اخراج شدند.

گزارش می رسد که در بیمارستانهای آرش، امیراعلم، بهار نو، روزبه، فارابی، صفائیان و ولی عصر قرار است شمار دیگری از پرستاران زن اخراج شوند.

سروده محمدرضا شفیعی کدکنی

## سالروز از دست دادن شادروان

### منوچهر فرهنگی

یک سال از کشته شدن شادروان منوچهر فرهنگی گذشت. ایران دوستی که عمری در راه خدمت به فرهنگ و عظمت ایران سپری کرد و در راه اعتلای وطن جان باخت. به مناسبت ۲۹ اسفند، سالروز این رویداد تلخ و اسف انگیز یکی از خوانندگان وفادار نشریه، شعری سروده و فرستاده است که ملاحظه می کنید:

گوی بیاران باوفای منوچهر

اشک فشایند در عزای منوچهر

زندگی او شده صرف فقیران

باغ بهشت است زیر پای منوچهر

تا به بهشت برین فرشته خصالی

راهنمائیست پاپیای منوچهر

در سخنش بود بوی مهر و محبت

بود بسی دلنشین نوای منوچهر

قلب منوچهر بود، جای خداوند

ما بپشگفتیم از صفای منوچهر

روزی اگر فرصتی بدست بیاید

ما بستانیم خون بهای منوچهر

بهر مددکاری و کمک به فقیران

گس نتواند گرفت جای منوچهر

تا به ابد نام اوست زنده و جاوید

راز عجیبی است در بقای منوچهر

سلطان محمد عضدی

### خون سیاوش

موج موج خزر، از سوگ، سیاه پوشانند

بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند

بنگر آن جامه کبودان افق، صبح دمان

روح باغ اند کزین گونه سیه پوشانند

چه بهاری ست خدا را که در این دشت هلال

لاله ها آینه خون سیاوشانند

آن فروریخته گل های پریشان در باد

کز می جام شهادت همه مدهوشانند

نام شان زمزمه نیمه شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانند

گر چه زین زهر سمومی که گذشت از سر باغ

سرخ گل های بهاری همه بیهوشانند

باز در مقدم خونین تو، ای روح بهار

بیشه در بیشه درختان همه آغوشانند

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند. راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور: [www.javanane-melli.de](http://www.javanane-melli.de) [info@javanane-melli.de](mailto:info@javanane-melli.de)

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی، دکتر امیر هوشمند ممتاز و دکتر حسن کیانزاد هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد  
نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.